



قانون سازان، قانون شکنان

فرهنگ‌های باز و بسته (سست و محکم) به چه اندازه
دنیای ما را تحت تاثیر قرار می‌دهند؟

نویسنده:

میشل گلفاند

مترجم:

زهرا کاظمی

انتشارات تألیف

سرشناسه	: گلفند، میشل ج. Gelfand, Michele J.
عنوان و نام پدیدآور	: قانون سازان، قانون شکنان: فرهنگ‌های سست و محکم به چه اندازه دنیایی ما را تحت تاثیر قرار میدهند؟/ نویسنده میشل گلفاند؛ مترجم زهرا کاظمی.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات تالیف، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۵۵ ص.
شابک	: 978-622-6628-45-7
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: Rule makers, rule breakers : how tight and loose cultures wire our world, 2018
عنوان دیگر	: فرهنگ‌های سست و محکم به چه اندازه دنیایی ما را تحت تاثیر قرار میدهند؟
موضوع	: هنجارهای اجتماعی Social norms فرهنگ Culture
شناسه افزوده	: کاظمی، زهرا، ۱۳۷۹ - مترجم
رده بندی کنگره	: ۴۹۳/۴۶۸
رده بندی دیویی	: ۳۰۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۵۷۹۵۷

www.ketab.ir

مرکز نشر: تهران- خیابان انقلاب- خیابان روانمهر- کوچه دولتشاهی پ ۵

تلفن: ۶۶۴۷۵۳۸۰ - ۶۶۴۱۵۳۶۴ موبایل: ۰۹۱۲۷۹۴۲۷۲۵



قانون سازان، قانون شکنان

مترجم: زهرا کاظمی

ناشر: تالیف

ناظر فنی: لیلا حائری

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۴۰۰

تیراژ: ۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۲۸-۴۵-۷

قیمت: ۹۰/۰۰۰ تومان

فهرست

۹	بخش اول
۹	مبنای اصلی: قدرت نیروی اجتماعی اولیه
۱۰	۱. درمانی برای هرج و مرج
۲۳	۲. گذشته در مقابل حال:
۲۳	تغییرات بیشتر، یکسان ماندن بیشتر
۳۹	۳. بین یانگ (خوبی و بدی) سست و محکم (باز و بسته)
۶۰	۴. فاجعه، بیماری و دیگر گونی
۸۱	بخش دوم
۸۱	تجزیه و تحلیل سستی و محکمی (باز و بسته): اینجا، آنجا، همه جا
۸۲	۵. جنگ میان ایالات متحده آمریکا
۱۱۸	۶. طبقه کارگر در مقابل طبقه بالا
۱۴۷	۷. آیا سازمان شما محکم است یا سست؟
۱۷۴	۸. بررسی آینده‌ای:
۱۷۴	آیا شما یک "م" یا "س" هستید؟
۱۹۷	بخش سوم
۱۹۷	ابزارها: تحکم و سستی (باز و بستگی) در جهان تغییرات
۱۹۸	۹. گمبول لاک‌ها درست گفته‌اند
۲۱۵	۱۰. انتقام فرهنگی و (بی) نظم جهانی
۲۳۹	۱۱. استفاده از قدرت اجتماعی هنجارها

مقدمه

ساعت ۱۱ شب برلین:

حتی یک ماشین هم در تیرس نگاه نیست اما عابر پیاده با صبر و حوصله در محل گذر منتظر می ماند تا چراغ سبز شود. باین حال چهار هزار مایل آن طرف تر از بوستون در ساعت ۱۰ می گردد، مسافران با وجود علامت "عبور ممنوع" گذر می کنند. در جنوب حوالی ساعت ۸ در ساب هالو^۱ محلی ها در پارک های عمومی با بیکینی های رشته ای گشت و گذار می کنند. در شمال، جایی در سلیکون حوالی بعد از ظهر است و کارمندان با تیشرت گوگل^۲ یینگ بنگ بازی می کنند و در زوریخ^۳ در بانک سوئیس^۴ که برای سال ها یک کد سنتی چهل صفحه ای را اجباری کرده بود، مدیران اجرایی در حال سوزاندن نفت، نیمه شب کراوات های خود کنار گذاشته اند. ممکن است ما آلمانی ها را به خاطر نظم بیش از حد یا برزیلی ها را به خاطر بدن نمایی اذیت کنیم. ولی به ندرت در نظر می گیریم که این تفاوت ها چگونه مطرح شده اند. این فراتر از قوانین و الگوهای پوششی و اجتماعی است تفاوت های اجتماعی مردم عمیق تر و گسترده است. از سیاست گرفته تا فرزند پروری مدیریت اعمال دینی و مشاغل تا تعطیلات. در طی هزار سال گذشته بشریت به نقطه ای از تکامل رسیده است که امروزه ۱۹۵ کشور بیش از ۷ هزار زبان و هزاران دین وجود دارد. حتی در یک ملت مانند ایالات متحده تفاوت های بی شماری بین افرادی که در برخی اوقات تقریباً نزدیک هم زندگی می کنند در مد، گویش،

^۱ São Paulo

^۲ Zurich

^۳ UBS: the union bank of Switzerland

اخلاق و جهت‌گیری سیاسی وجود دارد. تنوع رفتار انسان‌ها حیرت‌آور است به‌خصوص از آنجایی که ۹۶ درصد ژنوم انسان شبیه شامپانزه‌هاست، که سبک زندگی‌شان بر خلاف انسان‌ها شبیه به ارتباطات است. ما به درستی این تنوع را گرامی می‌داریم و تقسیم‌بندی را محکوم می‌کنیم، با این وجود به‌طور اعجاب‌آوری از چیزی که زیر بنای هر دو این موارد است بی‌اطلاعیم: فرهنگ!

فرهنگ یک راز بی‌تغییر از تجربیات ما است و مرز ثبت شده‌ای ندارد. ما از مغز بزرگمان برای انجام کارهای فوق‌العاده و تکنیکی استفاده کرده‌ایم. ما قوانین جاذبه را کشف کردیم، اتم‌ها را تجزیه کردیم، زمین را خنثی کردیم، بیماری‌های مرگبار را ریشه‌کن کردیم، ژنوم انسان را گزیده برداری کردیم، آیفون را اختراع کردیم و حتی سگ‌هایی را برای دوچرخه سواری و اسکیت آموزش دادیم. ولی علی‌رغم تمامی مهارت‌های فنی، ما به طرز عجیبی درک کمی در چیزی که به آن اندازه مهم است داریم: تفاوت‌های فرهنگی.

چرا با وجود اینکه از نظر تکنولوژی بیشتر از قبل بهم متصل هستیم، دسته‌بندی شده‌ایم؟ فرهنگ مرکز دسته‌بندی‌هاست و ما باید بیشتر در موردش بدانیم. سال‌هاست متخصصان سیاسی و دیگر متخصصان تلاش کردند تا عوامل عمیقی را برای جدایی‌ها و روش‌های مختلف فرهنگ و فرهنگ‌هایی که منقرض شدند را توضیح دهند. زمان‌های زیادی را ما بر روی شخصیت‌هایی وقت می‌گذاریم که "نشانه‌هایی از فرهنگ" هستند. ما تلاش می‌کنیم اختلاف فرهنگی را در موارد مختلف جغرافیایی توضیح دهیم و فکر کنیم که مردم در مسیری که به دلیل موقعیت جغرافیایی آنهاست، رفتار می‌کنند. برای مثال در ایالت آبی در ایالت قرمز در حومه شهر و در بیرون از شهر در ملت‌های غرب و شرق در کشورهای درحال توسعه یا توسعه نیافته ما در تلاشی که آن فرهنگ به وسیله‌ی تفاوت‌ها در دین و تمدن‌ها توضیح داده شوند. این انقراض‌ها ما را با سؤالات بیشتری تنها گذاشتند چون آن‌ها پایه‌های عمیق‌تری را از تفاوت‌هایمان از یاد بردند و *الگوی اصلی فرهنگ* را به ما نمی‌دهند. یک پاسخ قانع‌کننده در دید ساده پنهان شده‌است.